

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۲/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۳/۲۱

بررسی نقش و جایگاه مجلس شورای ملی در سیاست‌گذاری‌های عشایری دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه.ش.)

علی احمد الیاسی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران

چکیده

دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴) یکی از ادوار مهم و قابل توجه تاریخ ایران است. در این برهه، تغییر و تحولات شگرفی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... در کشور رخ داد. یکی از مهم‌ترین این تحولات، به حاشیه رانده شدن ایلات و عشایر ایران از صحنه قدرت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی بود. حکومت پهلوی با در اختیار گرفتن شیوه‌ها و شگردهای مختلف، به سرکوب، خلع سلاح و سپس یکجانشین کردن ایلات و عشایری پرداخت که تا آن دوره در عرصه‌های مختلف دارای قدرت و آثار بسیاری بودند.

بنابراین مسئله ایلات و عشایر در این دوران، یکی از مباحث اصلی در زمینه سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه ایران در عرصه نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بوده است. بر پایه قانون اساسی ایران، در ساختار حقوقی قدرت، سه نهاد «سلطنت»، «مجلس شورای ملی» و «هیئت وزیران»، از حق قانونی برای تصمیم‌گیری در زمینه مسائل مربوط به حوزه ایلات و عشایر برخوردار بودند.

به جهت اهمیت این موضوع در دوره مورد پژوهش و اعتبار و ارزش آن در تصمیم‌گیری‌های نهادهای مربوط، در این مقاله کوشش می‌شود تا جایگاه نهاد مجلس در سیاست‌گذاری برای ایلات و عشایر در دوره پهلوی اول تشریح و تحلیل شود.

کلیدواژه‌ها: دوره پهلوی اول، مجلس شورای ملی، ایلات و عشایر و سیاست‌گذاری‌ها.

ایلات و عشایر، سهم مهمی در تاریخ سیاسی ایران داشته‌اند. حکومت‌ها و سلسله‌های حاکم بر ایران، اغلب تحت سلطه یک یا چند ایل قرار گرفته‌اند و صحنه سیاسی ایران در طول تاریخ، عرصه رقابت و تاخت و تاز ایلی بوده است. تا تشکیل دولت توسط رضاشاه در ایران، عنصر ایل، نقش بسیار عمده‌ای در صحنه سیاسی ایران بازی می‌کرد؛ پس از تشکیل دولت رضاشاه، این امر، دچار وقفه شد و دولت وی تلاش فراوانی در جهت سرکوبی ایلات و کاهش نقش آن‌ها در سیاست ایران به عمل آورد. عمده‌ترین تلاش‌ها در این زمینه، ایجاد یک دولت مرکزی قدرتمند بود. دولت مرکزی، تلاش‌های فراوانی جهت تحت حاکمیت درآوردن ایلات انجام داد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. سرکوب ایلات یاغی؛

۲. خلع سلاح؛

۳. اسکان اجباری؛

۴. خدمت نظام اجباری؛

۵. ترویج آموزش و پرورش در میان ایلات؛

۶. تسری قانون متحدالشکل نمودن لباس به اجتماعات عشایری ...

نبود پژوهش مستقلی درباره منابع و رویه‌های سیاست‌گذاری دولت پهلوی اول از مشکلات اساسی در انجام این تحقیق به شمار می‌رود و تاکنون این موضوع مورد کم‌توجهی و گاه بی‌مهری پژوهشگران داخلی و خارجی قرار گرفته است. در همین راستا در پژوهش حاضر تلاش شده است تا بر پایه اسناد مراکز آرشیوی، منابع دست اول، خاطرات سیاست‌گذاران و آگاهان و نشریات داخلی عصر پهلوی اول و به روش توصیفی و تحلیلی، جایگاه نهاد مجلس شورای ملی در قبال جامعه ایلی و عشایری بررسی شود.

پرسش‌های اصلی این پژوهش، آن است که مجلس شورای ملی به عنوان یک نهاد مؤثر، در دوره پهلوی اول، در امر سیاست‌گذاری در خصوص ایلات و عشایر چه نقشی داشت؟

دوم اینکه سیاست‌گذاری مجلس شورای ملی در مسئله ایلات و عشایر چه روندی داشت؟

دیگر آنکه نهاد مجلس شورای ملی چگونه به خط‌مشی‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه ایلات و عشایر اقدام می‌کرد؟

پایه‌های اساسی بنیاد فرضیه حاضر، بر این قرار استوار است که مجلس شورای ملی به عنوان یک نهاد تصمیم‌گیر، خطوط اصلی سیاست‌گذاری دولت را تبیین و تدوین می‌نمود ولی به دلیل ماهیت خودکامه حکومت پهلوی اول، و تجربیات و مؤلفه‌های سیاسی و فردی شخص رضاشاه، نهاد سلطنت، در سیاست‌گذاری در خصوص عشایر، نهاد مجلس و دیگر نهادهای مسئول را تحت‌الشعاع و تحت تأثیر تصمیمات خود قرار می‌داد.

در ایران نوشته‌های فراوانی با محوریت جامعه ایلی و عشایری به چشم می‌خورد که در سال‌های اخیر کیفیت و گستردگی آن روزافزون بوده است. علاوه بر آن باید از نوشته‌های پژوهشگران خارجی نیز غافل نماند چراکه از دیدگاه‌های گوناگون، پرتوافکنی خاصی بر این مسئله برداشته‌اند.

ادبیات ایلی و عشایری ایران را می‌توان در چند دسته جای داد:

دسته اول شامل نوشته‌هایی است که آمیزه‌ای از اطلاعات مردم‌شناختی و سیاسی را ارائه می‌دهند؛ از قبیل کتاب عرف و عادت در عشایر قشقایی از محمد بهمن‌بیگی.^۱

دسته دوم نوشته‌های انتقادی و بعضاً غرض‌آلود و بغض‌آمیز مانند فصلنامه‌ی عشایر، ذخایر انقلاب.

دسته سوم نوشته‌های عمدتاً مردم‌شناسانه هستند که از سوی برخی پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی به رشته تحریر درآمده‌اند که در عین حال کلیاتی از سیاست‌های عشایری دولت را به خوانندگان ارائه می‌دهند؛ مانند کتاب کوچ‌نشینی در ایران از سکندر امان‌اللهی بهاروند.^۲

دسته چهارم نوشته‌هایی هستند که صرفاً به توصیف سیاست‌های عشایری دولت‌ها بسنده کرده‌اند؛ نظیر کتاب سیاست و حکومت و عشایر از عزیز کیاوند.^۳

دسته پنجم تحقیقاتی را دربرمی‌گیرد که فقط از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی ایلات و عشایر نگارش یافته‌اند؛ مانند کتاب دولت مطلقه رضاشاه و نظام ایلی تألیف احمد نقیب‌زاده و کتاب قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت از دکتر حمید احمدی.^۴

دسته ششم دربردارنده منابعی است که به سیاست‌های عشایری دولت پهلوی اول درقبال جامعه ایلی پرداخته و از دیدگاه واکنش ایلات و عشایر به این سیاست‌ها، نگارش یافته است؛ مانند کتاب شورش عشایری فارس از کاوه بیات و کتاب سیاست‌های عشایری پهلوی اول از نفیسه واعظ.^۵

دسته هفتم آثاری را شامل می‌شود که بیشتر از سوی محققان خارجی نگارش یافته و بیشتر به پیامدهای سیاست عشایری دولت پهلوی اول پرداخته و از پرداختن به چگونگی سیاست‌گذاری و عملکرد نهادهای سیاستگذار غفلت ورزیده‌اند؛ مانند کتاب مالک و زارع در ایران از لمبتون و کوچ‌نشینان قشقایی فارس از ابرلینگ.

در نوشته‌های دیگر نویسندگان از قبیل استفان کرونین، الول ساتن و دیگران هریک از زاویه‌ای خاص و علاقه ویژه خود به موضوع ایلات و عشایر پرداخته‌اند.^۶ در آثار و نوشته‌های دیگر نویسندگان داخلی مانند جواد صفی‌نژاد، نادر افشار نادری، عبدالله شهبازی، ایرج افشار سیستانی، هیبت‌الله غفاری، علی بلوکباشی، حشمت‌الله طبیبی، محمدعلی سلطانی، سیدرحیم مشیری و ... به مناسبت حوزه تحقیقاتی مورد علاقه

۱. بهمن‌بیگی، محمد، عرف و عادت در عشایر قشقایی فارس (شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۸۱).

۲. امان‌اللهی بهاروند، سکندر، کوچ‌نشینی در ایران (پژوهشی درباره ایلات و عشایر) (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰).

۳. کیاوند، عزیز، حکومت، سیاست و عشایر (تهران: انتشارات عشایری، ۱۳۶۸).

۴. نقیب‌زاده، احمد، دولت رضاشاه و نظام ایلی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹) و احمدی، حمید، قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹).

۵. بیات، کاوه، شورش عشایری فارس (۱۳۰۸) (تهران: نشر نقره، ۱۳۶۵) و واعظ، نفیسه، سیاست عشایری دولت پهلوی اول (تهران: نشر تاریخ، ۱۳۸۸).

۶. لمبتون، آن، مالک و زارع، ترجمه منوچهر امیری (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲) و ابرلینگ، پیر، کوچ‌نشینان قشقایی فارس، ترجمه فرهاد طیبی‌پور (تهران: شیرازه، ۱۳۸۳).

خود به جنبه یا جنبه‌های خاصی از حیات ایلی و عشایری پرداخته و هیچ‌یک به جایگاه نهادهای سیاست‌گذار در زمینه سیاست عشایری دولت از جمله مجلس شورای ملی توجه کافی نداشته‌اند.

بررسی جایگاه نهاد مجلس شورای ملی در فرایند سیاست‌گذاری در دوره پهلوی اول

پس از پیروزی انقلاب مشروطه ایران و در سیاست اعلامی، هشت اصل ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۹ از اصول قانون اساسی و سه اصل ۱۵، ۴۳، ۴۶ از متمم قانون اساسی بر اینکه مهم‌ترین رکن تصمیم‌گیری در همه امور کشور مجلس شورای ملی است، تأکید داشت اما در واقع و در سیاست اعمالی، مجلس به اختیارات حداقلی خود در سیاست‌گذاری در دوره رضاشاه اکتفا نموده بود.

بنا بر اصل هجدهم، هرگونه ایجاد قانون یا تغییر و تکمیل یا فسخ قوانین موجود، از مسئولیت‌های مجلس شورای ملی است. طبق اصل بیستم قانون اساسی، بودجه هریک از وزارتخانه‌ها می‌بایست در نیمه آخر هر سال برای تصویب نهایی به مجلس شورای ملی ارسال می‌شد و بر اساس اصل بیست و نهم قانون اساسی، مجلس حق عزل وزرا را در صورت ناتوانی یا خیانت دارا بود.^۱

از مطالعه صورت‌جلسات مذاکرات مجلس، اسناد، خاطرات و نشریات چنین بر می‌آید که بحث ایلات و عشایر در کمیسیون‌های مختلف مجلس به مناسبت موضوع بررسی می‌شد و مشخصاً کمیسیون اسکان، کار هدایت امور مربوط به اسکان ایلات و عشایر را برعهده داشت ولی از کمیسیون سیاست عشایری، در منابع به‌صراحت سخنی به میان نیامده است. در نهایت، مجلس شورای ملی از طریق تصویب لایحه و طرح‌های قانونی، در امر خطمشی‌گذاری کلان برای ایلات و عشایر، نقش خود را ایفا می‌کرد؛ چنان‌که چندبار وزراء، لویجی را به‌ویژه در مورد افزایش اعتبار عمران برای سیاست عشایری به مجلس پیشنهاد کردند که به تصویب نمایندگان مجلس رسید.

هم‌چنین درباره سایر اختیارات قانونی نمایندگان، در ماده سی و چهارم نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی آمده است:

هر نماینده می‌تواند طرحی را در امری از امور مملکتی مستقیماً به رئیس مجلس ارائه دهد ولی گزارش طرح وقتی در صحن علنی مجلس طرح خواهد شد که حداقل پانزده نفر از نمایندگان، مذاکره درباره آن را تصویب کرده باشند.^۲

نمایندگان مجالس دوره پهلوی اول از این حق قانونی خود، یعنی ارائه طرح‌های قانونی به رئیس مجلس درباره ایلات و عشایر، استفاده نکردند و عمدتاً به تصویب طرح‌هایی مبادرت نمودند که اطمینان داشتند رضاشاه و وزرای او با آنها موافقت اصولی دارند؛ برای مثال، در تیرماه ۱۳۱۳ بنا به درخواست رضاشاه، مبنی بر اصلاح قانون انتخابات، درخصوص محروم کردن ایلات و عشایر از داشتن نماینده در مجلس، فروغی نخست‌وزیر، محمود جم وزیر داخله و علی‌اکبر داور وزیر دارایی، طرحی را به مجلس ارائه دادند. در این طرح به جای اینکه وکلا از سوی ایلی، مثلاً ایل کلهر نمایندگی داشته باشند، می‌بایست از مناطق، مثلاً شاه‌آباد (اسلام‌آباد کنونی) برگزیده می‌شدند. نمایندگان نیز این طرح را به‌سرعت تصویب

۱. اکبری، محمدعلی، دولت و فرهنگ در ایران (۱۳۵۷-۱۳۰۴) (تهران: مؤسسه روزنامه ایران، ۱۳۸۲)؛ ص ۲۲.

۲. همان؛ ص ۲۸.

کردند؛ به نظر می‌رسد هدف این طرح، کاهش قدرت فردی و کلای ایلی و استحاله قدرت ایلی به نفع اقتدار ملی بوده است.^۱

نقش و کارکرد مجلس شورای ملی در سیاست‌های عشایری پهلوی اول

نهاد مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول از طریق تصویب طرح‌ها و لوایح قانونی به ایفای نقش و کارکرد خود در سیاست‌های عشایری پرداخت اما به دلیل ماهیت خودکامه و فراقانونی نهاد سلطنت، نمایندگان نتوانستند از تمام اختیارات قانونی خود در این مورد بهره بگیرند. با این وصف پس از مقام سلطنت، حق انشا و وضع قانون، به مجلس نمایندگان مردم یعنی مجلس شورای ملی سپرده شده بود. اصل پانزدهم متمم قانون اساسی، تصریح دارد:

کلیه قوانینی که برای تشیید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه‌ها لازم است، باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.^۲

همچنین در اصل پانزدهم درباره حقوق و حدود مجلس شورای ملی آمده است:

مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملک و ملت می‌داند، پس از مذاکره و مذاقه، از روی راستی و درستی عنوان کرده؛ با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان، با تصویب مجلس سنا به توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحه همایونی، موشح و به موقع اجرا گذارده شود.^۳

به هر حال، نهاد مجلس با تصویب لوایح و طرح‌های قانونی در دو دسته مصوبات خاص و عام، به ایفای نقش خود پرداخت که ذیلاً به آن‌ها می‌پردازیم:

الف) کارکرد نهاد مجلس در قالب مصوبات خاص

این دسته از مصوبات فقط در خصوص ایلات و عشایر بوده که به تصویب مجالس این دوره رسیده است.

مهم‌ترین مصوبات خاص مجالس دوره پهلوی اول در مورد موضوع ایلات و عشایر به این شرح است:

۱. قانون راجع به «واگذاری زمین به منظور تخته‌قاپو کردن الوار لرستان»؛ مصوبه ۳۰ خرداد ۱۳۰۹ در مجلس هشتم.^۴
۲. قانون «اجازه پرداخت پنجاه هزار تومان اعتبار اضافی برای مخارج عمران لرستان»؛ مصوبه ۱۲ بهمن ۱۳۱۰ در مجلس هشتم.^۵
۳. قانون «تأدیة مخارج دستگیری دوست‌محمدخان بلوچ»؛ مصوبه آبان ۱۳۰۹ در مجلس هشتم.^۶
۴. قانون «اجازه پرداخت یکصد هزار تومان اعتبار اضافی از محل ذخیره مملکتی به منظور عمران لرستان و سکنی دادن الوار»؛ مصوبه ۶ مهر ۱۳۰۹ در مجلس هفتم.^۷

۱. مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات در دوره پنجم مجلس شورای ملی (تهران: مطبعه مجلس، ۱۳۲۴)؛ ص ۲۳۴.

۲. مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات در چهار دوره اول، دوم، سوم و چهارم (تهران: مطبعه مجلس، بی تا)؛ ص ۱۰.

۳. همان؛ ص ۲۰.

۴. برای اطلاع بیشتر، نک: مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هشتم قانون‌گذاری (تهران: مطبعه مجلس، ۱۳۲۵).

۵. همانجا.

۶. مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هفتم قانون‌گذاری (تهران: مطبعه مجلس، ۱۳۲۵).

۷. برای آگاهی بیشتر، نک: همانجا.

۵. قانون «اجازة فروش املاک خالصه اطراف سرپل ذهاب برای اسکان دادن طوایف آن حدود»؛ مصوبه ۱۴ تیر ۱۳۱۱ در مجلس هشتم.^۱
۶. تصمصم قانونی «راجع به آقای اسماعیل خان قشقایی و ناصرخان قشقایی»؛ مصوبه ۸ شهریور ۱۳۱۱ در مجلس هشتم.
۷. قانون «اعتبار اضافی برای مخارج عمران و تخته‌قاپو کردن عشایر»؛ مصوبه ۱۲ مهر ۱۳۱۱ در مجلس هشتم.
۸. قانون «اجازة واگذاری املاک واقع در لرستان به افراد الوار برای ده‌نشین شدن»؛ مصوبه ۲۸ مهر ۱۳۱۱ در مجلس هشتم.
۹. قانون «اجازة واگذاری اراضی واقع در آذربایجان به خوانین و افراد ایل شاهسون»؛ مصوبه ۱۷ دی ۱۳۱۱ در مجلس هشتم.
۱۰. قانون «یک‌صد هزار ریال اعتبار اضافی به منظور تهیه بذر جهت الوار لرستان»؛ مصوبه ۲۴ دی ۱۳۱۱ در مجلس هشتم.^۲
۱۱. قانون «سیصد هزار ریال اعتبار اضافی برای مخارج عمران و تخته‌قاپو کردن عشایر»؛ مصوبه ۱۱ تیر ۱۳۱۲ در مجلس نهم.
۱۲. قانون «راجع به امور قضایی و اداری لرستان»؛ مصوبه ۱۷ تیر ۱۳۱۲ در مجلس نهم.^۳
۱۳. قانون «تعیین اعتبار برای خرید سهام بختیاری‌ها از شرکت نفت ایران و انگلیس»؛ مصوبه ۱۲ اسفند ۱۳۱۵ در مجلس دهم.
۱۴. قانون «اعتبار اضافی برای مخارج عمران و تخته‌قاپو کردن ایلات و عشایر»؛ مصوبه ۳۱ شهریور ۱۳۱۱ در مجلس هشتم.
۱۵. قانون «اعتبار یک میلیون ریال برای مخارج و تخته‌قاپو کردن ایلات و عشایر»؛ مصوبه ۲۹ بهمن ۱۳۱۱ در مجلس هشتم.^۴
۱۶. قانون «واگذاری اراضی خالصه ذهاب به عشایر باباجانی، ولدببگی و سایر طوایف حدود غرب»؛ مصوبه ۷ شهریور ۱۳۱۵ در مجلس دهم.^۵
۱۷. تصمصم قانونی «راجع به استرداد مالیات احشام زارعین منطقه فعله کری شهرستان سنقر کلیایی»؛ مصوبه ۲۴ آذر ۱۳۰۷ در مجلس ششم.^۶
۱۸. قانون «الغای مالیات اغنام و احشام ایلاتی که تخته‌قاپو شده‌اند»؛ مصوبه ۲۰ مرداد ۱۳۰۷ در مجلس ششم.^۷
۱۹. قانون «راجع به تشکیل دو کمیسیون فنی و اداری و سیاسی جهت اسکان عشایر و عمران اراضی حدود قصرشیرین و سر پل ذهاب»؛ مصوبه ۱۳۱۵ در مجلس دهم.^۸
۲۰. قانون «راجع به تأمین اعتبار عمران و اسکان عشایر سرحدی غرب کشور»؛ مصوبه ۱۳۱۴ در مجلس دهم.^۹

۱. آرشیو اسناد ملی (شماره بازیابی): ۲۴۰۰۰۲۴۷۳۰.

۲. برای آگاهی بیشتر، نک: مجموعه قوانین دوره هشتم، همان.

۳. مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره نهم تقنینیه (تهران: اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس شورای ملی، ۱۳۲۹).

۴. نک: مجموعه قوانین دوره هشتم، همان.

۵. آرشیو اسناد ملی (شماره بازیابی): ۳۱۰۰۰۰۷۲۶.

۶. همان (شماره بازیابی): ۲۴۰۰۰۱۵۹۹۶.

۷. همان (شماره بازیابی): ۲۴۰۰۰۵۷۷۰.

۸. همان (شماره بازیابی): ۳۱۰۰۰۰۸۴۹.

۹. همان (شماره بازیابی): ۲۴۰۰۰۱۷۹۴۲.

۲۱. قانون «راجع به اعتبار مخارج تخته‌قاچو کردن ایلات و عشایر کرمانشاهان»؛ مصوبه ۱۳۱۳ در مجلس دهم.^۱

از مصوبات یاد شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری‌هایی را به دست داد:

اولاً مجلس دوازدهم و سیزدهم، مصوبه یا مصوباتی را که در حمایت از ایلات و عشایر باشد، به تصویب نرسانده‌اند. از مجموع ۲۱ مصوبه با موضوع ایلات و عشایر، ۱۰ مصوبه خاص و یکی از مصوبات عام در مجلس هشتم به تصویب رسیده است. بنابراین مجلس هشتم یکی از پرکارترین مجالس دوره پهلوی اول در همراهی با دولت و توجه به برنامه‌ریزی و قانونمند کردن سیاست‌های عشایری بوده است. از جمله دلایل این همکاری و واگرایی دولت و مجلس می‌توان به پایان یافتن دور اول برخوردهای خشونت‌آمیز ایلات با دولت اشاره نمود که لزوم چاره‌اندیشی از سوی این نهاد سیاست‌گذاری را طلب می‌کرد. از دهه نخست حکومت پهلوی اول به بعد، تعامل میان حکومت مرکزی و ایلات و عشایر به دنبال سرکوب و خلع سلاح گروه‌های ایلی به آرامش گرایید و برنامه‌های عمرانی و اسکان و چاره‌جویی در این زمینه‌ها به دغدغه اصلی نهادهای تصمیم‌گیر از جمله مجلس بدل شد، از این رو نهادهای مدنی جامعه از قبیل مجلس در برنامه‌ریزی و تعیین خط مشی عشایری کشور به ایفای نقش پرداختند.

دوم اینکه از ۲۱ مصوبه عام و خاص مجالس دوره پهلوی اول، هشت مصوبه مربوط به عمران و اسکان ایلات و عشایر گرد و شش مصوبه مربوط به اسکان و عمران عشایر لر بوده است که نشان‌دهنده اهمیت سیاست اسکان و عمران عشایر کرد و لر از سوی حکومت و نهادهای وابسته به آن می‌باشد و این مهم با توجه به سرحدی بودن مناطق کردنشین، اهمیت و حساسیت خاصی داشته و نیز نشانگر اهمیت اسکان و عمران عشایر لر در دولت با وجود مخالفت ایشان با برنامه‌های نوسازی دولت است.

هم‌چنین یکی از مصوبات خاص درباره دوست‌محمدخان بلوچ، یکی در مورد ایل قشقایی و خوانین شاهسون، شش مصوبه خاص در مورد لرها، هشت مصوبه خاص درباره کردها و یکی نیز در مورد تعیین تکلیف سهام بختیاری‌ها از شرکت نفت ایران و انگلیس بوده است و در هیچ‌یک از مصوبات خاص، به سایر ایلات و عشایر خاص از جمله ترکمن‌ها، عرب‌ها و کهگیلویه و بویراحمدی‌ها اشاره نشده است.

هم‌چنین به نظر می‌آید که تقدم و تأخر توجه مجلس به مسئله ایلات و عشایر و طوایف و تیره‌های مختلف آن‌ها تابع مقتضیات مملکتی و جایگاه و نوع موضع‌گیری ایلات و عشایر در برابر سیاست‌های دولت بوده است؛ برای نمونه، تخصیص اعتبار خرید سهم نفت بختیاری‌ها در سال ۱۳۱۵ از سوی مجلس اتفاقاً به نظر نمی‌رسد.^۲ همچنین سیاست مجلس در قبال ایلات و عشایر کرد، متأثر از سیاست خارجی دولت در نگرانی از پیوستن آن‌ها به جنبش کردها در عراق و ترکیه بوده که در همان برهه زمانی رخ داده است.^۳

۱. همان (شماره بازیابی): ۲۹۳۰۰۱۸۰۰.

۲. واعظ، همان؛ ص ۲۶۷.

۳. برای آگاهی بیشتر، نک: اسناد نخستین سپهبد ایران/ احمد/ امیراحمدی، به کوشش سیروس سعدوندیان (تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳). و نیز ارفع، حسن، در خدمت پنج سلطان، ترجمه سیداحمد نواب (تهران: مهرآئین، ۱۳۷۷).

ب) کارکرد نهاد مجلس در قالب مصوبات عام

۱- قانون سجلّ احوال، مصوّب ۱۴ خرداد ۱۳۰۴ در مجلس پنجم که در این مصوّبه عام در موضوع و صدور شناسنامه برای ایلات و عشایر در تبصره اول ماده بیست و هشتم آن چنین چاره‌اندیشی شده بود:

مسئول سجلّ احوال ایلات با رئیس ایل و مباشرت آن با خوانین و کدخدایان ایل خواهد بود.^۱
به موجب قانون سجلّ احوال، عموم مردم اتباع ایران موظف بودند پس از یک سال از تاریخ تأسیس سجلّ احوال در ایالات و ولایات، ورقه هویت بگیرند؛ که عموم اتباع ایران، شامل ایلات و عشایر هم می‌شد.^۲
بعدها با کارشناسی‌هایی که انجام گرفت و همچنین مشاهده کاستی‌هایی که در حین اجرای این قانون رخ نمایند، جرح و تعدیل‌هایی در آن صورت پذیرفت و قانون جدید در شانزده ماده و پانزده تبصره از تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی گذشت.^۳

۲- قانون خدمت نظام اجباری؛ در سال ۱۳۰۴ سازمان نظام‌وظیفه تشکیل و قانون مربوط به آن وضع شد و برای اجرای این نظر هم در آغاز، اداره‌ای به نام اداره کل احصائیه و سجلّ احوال تشکیل گردید و قانونی برای تعیین نفوس حقیقی کشور و ثبت احوال آن‌ها به تصویب مجلس شورای ملی رسید (۱۶ خرداد ۱۳۰۴) و در ضمن در همین تاریخ، قانون دیگری به اسم قانون خدمت اجباری از تصویب مجلس شورای ملی گذشت.^۴ بر اساس قانون مذکور:

همه افراد مذکور کشور ایران اعم از اینکه ساکن شهرها باشند یا روستاها؛ جزو قبایل باشند یا متوطن در خارج از کشور، موظف به انجام خدمت نظام در سن ۲۱ سالگی هستند.^۵

در اعمال شش‌ساله این قانون (۱۳۰۹-۱۳۰۴) نقایصی در قانون مصوّب ۱۳۰۴ دیده شد. این نقیصه‌ها ایجاب می‌کرد که قانون جدیدتری وضع شود و به این منظور، قانونی در ۳۰ شهریورماه ۱۳۱۰ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و اما چون ارتش، روزبه‌روز با توجه به نیازهای امنیتی کشور در گسترش بود، قانون مزبور نیز نمی‌توانست پس از چندی جوابگوی خواسته‌های این ارتش باشد؛ بنابراین در ۲۹ خرداد ۱۳۱۷ بار دیگر در این قانون تجدیدنظر شد و قانون جدیدی در اسفندماه همان سال به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این مسئله در عمل نشان می‌دهد که تصویب قوانین در مجلس، تابعی از نیازهای کشور در زمینه ایجاد تحوّل و نوسازی کشور و فوریت‌های آن بوده است.^۶

۱. مجموعه قوانین دوره پنجم، همان؛ ج ۲، ص ۲۰۷.

۲. هدایت، مهدیقلی خان، *خاطرات و خطرات* (تهران: رنگین، ۱۳۲۹)؛ ص ۴۷۱ و محبوبی‌اردکانی، حسین، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۲ (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)؛ ص ۱۵۹.

۳. خلیلی‌خو، محمدرضا، *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه* (تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی، ۱۳۷۳)؛ ص ۱۴۱.

۴. یکرنگیان، میرحسین، *سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۳۰* (تهران: خجسته، ۱۳۸۴)؛ صص ۲۶۴-۲۶۵.

۵. مجموعه قوانین دوره پنجم، همان؛ ص ۲۱۷. و نیز عاقلی، باقر، *رضاشاه و قشون متحدالشکل (۱۳۲۰-۱۳۰۰)* (تهران: نارمک، ۱۳۷۷)؛ ص ۱۹۴.

۶. قائم‌مقامی، جهانگیر و علیقلی بیگلرپور، *تاریخ ارتش نوین ایران (۱۳۲۰-۱۳۰۰)*، ج ۱ (تهران: چاپخانه ارتش، بی‌تا)؛ ص ۱۲۵ و نیز سینایی، وحید، *دولت مطلقه نظامیان و سیاست در ایران (۱۳۵۷-۱۲۹۹)* (تهران: کویر، ۱۳۸۴)؛ ص ۲۴۷.

۳- قانون اصلاح ممیزی، مصوب ۱۳۰۷ در مجلس ششم که با توجه به اسکان اجباری برخی از ایلات و عشایر، چند ماده از آن به نحوه مالیات‌گیری از ایلات و عشایر اسکان‌یافته و غیراسکان‌یافته، اختصاص یافته بود؛^۱ قانون مزبور در مجالس دوره هفتم و هشتم نیز بار دیگر مطرح شد و با توجه به اولویت‌های جامعه، اصلاحاتی در آن صورت گرفت.^۲ در جریان مذاکرات مجلس ششم در مورد قانون ممیزی مالیات‌ها، کازرونی، از نمایندگان مجلس، در ضمن بیان موافقت خود، یکی از تأثیرات این قانون را تخته‌قاپو شدن ایلات و عشایر دانست.^۳

۴- قانون محاکمات نظامی، مصوب ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ در مجلس ششم که در ماده ۲۱۴ آن چنین بیان شده است:

هر کسی که نظامیان را به الحاق به دشمنان و یا یاغیان یا قشون متمرّد، اغوا و تشویق کند و ... محرک به خیانت شناخته شود، محکوم به اعدام است.^۴

با اینکه در این مصوبه قانونی، با صراحت به ایلات و عشایر اشاره‌ای نشده است ولی با در نظر گرفتن دو مسئله می‌توان آن را در شمول قوانین عام در مورد ایلات و عشایر گنجانده؛

موضوع نخست اینکه با توجه به پایان نیافتن سیاست خلع سلاح ایلات و عشایر تا آن زمان، عبارت یاغیان مسلح در این ماده قانونی به احتمال بسیار زیاد بر ایلات و عشایر انطباق می‌یابد؛ دیگر آنکه با عنایت به تقارن سال تصویب این قانون با شورش عشایری فارس و ادامه جنگ‌های عشایری در مناطق وسیعی از غرب کشور از جمله در کرمانشاهان و کردستان، عبارت دشمن در ماده ۲۱۴ این قانون می‌بایست در اشاره به ایلات و عشایر فرض شده باشد؛ چه در فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران در این دوره، غالباً میان مخالف و دشمن تفکیک چندانی صورت نمی‌گرفت و به‌ویژه در دوره پهلوی اول، برای وانمودسازی و خطیر بودن خط مشی‌های دولت و برای ارباب مخالفان، به‌عمد مخالفان را دشمن خطاب می‌کردند. به علاوه در ادبیات مرسوم و نوشته‌های اداری و سیاسی دوره پهلوی اول، غالباً از عشایر غرب کشور با اصطلاحاتی همچون اشرار، یاغیان و مهدورالدمان یاد شده است.^۵

۵- قانون متحدالشکل نمودن البسه اتباع ایران در داخله مملکت، مصوب ۱۳۰۷/۱۰/۶؛ نخستین برنامه رسمی دولت در این حوزه، طرحی بود که در چهار ماده از سوی عده‌ای از نمایندگان مجلس شورا برای تصویب ارائه شد. در ماده چهارم این طرح، تصریح شده بود که:

۱. آرشیو اسناد ملی (شماره بازیابی): ۲۴۰۰۰۵۷۷۰ و نیز اطلاعات، مورخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷.

۲. برای آگاهی بیشتر، نک: مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۶؛ جلسه ۴۵، مورخ ۶ آذر ۱۳۰۵ و جلسه ۵۲، مورخ ۲۰ دی ۱۳۰۵ و نیز مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۷؛ جلسه ۱۵، مورخ ۴ دی ۱۳۰۷ و نیز مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۸؛ جلسه ۵۹، مورخ ۱۹ آذر ۱۳۱۰.

۳. قلفی، محمدوحید، مجلس و نوسازی در ایران (۱۳۰۲-۱۳۱۱) (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹)؛ ص ۱۳۹.

۴. مجموعه قوانین دوره ششم، همان؛ ص ۲۲۰.

۵. برای آگاهی بیشتر، نک: الیاسی، علی‌احمد، بررسی سیاست‌های اسکان ایلات کرمانشاهان در دوره پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۲۹۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

این قانون در شهرها و قصبات از اول فروردین ۱۳۰۸ و در خارج از شهرها در حدود امکان عملی شدن آن به شرطی که از فروردین ۱۳۰۹ تجاوز نکند، به موقع اجرا گذارده خواهد شد و دولت، مأمور تنظیم و اجرای این قانون می‌باشد.^۱

۶- چندین قانون در ارتباط با شکل‌گیری ارتش متحد، در طی دوره پنجم تا هشتم، از تصویب مجلس گذشت که از جمله آن‌ها قانون ترفیع حقوق و مستمری نظامیان و ترفیع درجات آن‌ها بود و به عنوان نمونه، قانون ترفیع برخی از سرکردگان نظامی که در جنگ‌های عشایری نقش داشتند، از جمله عباس‌خان آریا، در ۲۴ مرداد ۱۳۰۸ در مجلس هفتم به تصویب رسید. این مسئله با توجه به نقش فرد مذکور در جنگ‌های عشایری فارس، قابل تأمل است. موارد دیگری نیز از این قبیل در دروان پهلوی اول به چشم می‌خورد.

۷- تصویب قانون کمیسیون عدلیه درباره تصرف اموال، در سال ۱۳۰۹ در مجلس هشتم. در این ماده قانونی، به اموال اشرار مسلح اشاره شده که باز با توجه به دوره زمانی مصوبه و عدم اتمام برنامه‌های عشایری دولت پهلوی اول و با توجه به ادامه درگیری‌های عشایری در غرب، جنوب‌غربی و شرق کشور در طی سال‌های مزبور، می‌توان چنین استنباط کرد که این قانون درباره ایلات و عشایر مصداق پیدا می‌کرده و دست دولت را در این‌گونه اقدامات باز می‌گذاشته است.^۲

۸- قانون تجدیدنظر در نظامنامه انتخابات، مصوب ۱۰ مهر ۱۳۱۳ در مجلس نهم. ماده ۴۵ این قانون، چگونگی مشارکت ایلات و عشایر در انتخابات را مطابق خواست دولت بدین‌گونه اصلاح نموده بود:

کسانی که سابقاً به حالت عشایری زندگی نموده‌اند، از این به بعد، مثل سایر افراد ملت در جزو سکنه محلی که در آنجا اقامت دارند، در انتخاب نماینده خود شرکت خواهند نمود.^۳

در راستای سیاست ایل‌زدایی مورد نظر دولت پهلوی، ضمیمه‌ای درباره اصل ۴۵ از سوی نمایندگان اضافه شد که در آن، حوزه‌های انتخابی در مناطق ایلی و عشایری، با ذکر تعداد نمایندگان و مراکز انتخابی مشخص شده بود و بر اساس آن، وکیل نه به عنوان نماینده ایلی خاص، بلکه به عنوان نماینده‌ای از یک حوزه انتخابی به مجلس راه می‌یافت.^۴

نگاهی به جایگاه مجلس شورای ملی در سیاست‌گذاری‌های عشایری

بیان قوانین مصوب مجلس - اعم از قوانین عام و خاص که در سطور بالا به آن اشاره رفت - بیانگر سیاست گفتاری نهاد مجلس شورای ملی در امر سیاست‌گذاری ایلی و عشایری بود و جنبه دیگر این مسئله، سیاست عملی و واقع‌گرایانه نهاد مجلس بود که البته گاه این دو با یکدیگر انطباق نداشتند. هم‌چنین مطالعه صورت مذاکرات نمایندگان مجلس و نوع ارتباطات و تعاملات آن‌ها با دیگر وزارتخانه‌های

۱. نک: اتابکی، تورج، *تجدد آمرانه (جامعه و دولت در عصر رضاشاه)*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (تهران: ققنوس، ۱۳۸۵)، صص ۱۹۷-۱۹۸.

۲. *اطلاعات*، مورخ ۱۳ آبان ۱۳۰۹.

۳. *مجموعه قوانین دوره پنجم*، همان؛ ص ۲۳۴.

۴. همان؛ ص ۲۳۵.

دولتی مربوط از قبیل وزارت جنگ، داخله، خارجه، عدلیه، مالیه و ... که هر یک به نوعی در سیاست‌های عشایری درگیر بودند، بنیاد فکری و نحوه نگرش آن‌ها را به مسئله ایلات و عشایر آشکار می‌سازد؛ هم‌چنان‌که وقتی در تیرماه ۱۳۱۲ وزارت مالیه، به قید فوریتی، از مجلس، خواستار تصویب سیصد هزار ریال اعتبار برای مخارج عمران و تخته قاپو کردن ایلات و عشایر شد، گوشه‌ای از روند تصمیم‌گیری نمایندگان برای ایلات و عشایر در آن دوره آشکار می‌گردد.

روحي، یکی از نمایندگان مجلس نهم، در این باره اظهاراتی داشت؛ وی در آغاز سخنان خود، تخته‌قاپو کردن ایلات و عشایر را یکی از اهداف مقدسه و آرزوهای محقق شده دانست که در عمل به پیشرفت‌هایی هم رسیده است و در ادامه سخنانش، پیشنهاد داد که برای ایلات بزرگ مثل قشقایی، بختیاری، شاهشون و کلهر، شهرهای جدیدی در همان مکان بسازند و آن‌ها را در آن‌جا متمرکز سازند زیرا این روش در توسعه تجارت و آبادانی مملکت مؤثر خواهد بود. وی هم‌چنین پیشنهاد نمود که ایلات کوچک نیز در دهات مستقر شده و به زراعت بپردازند.^۱

با توجه به مباحث مطروحه در مجالس شورای ملی در خصوص ایلات و عشایر، در قالب لوایح و طرح‌های قانونی و نیز با عنایت به مذاکرات انجام شده در این زمینه و اعتقاد نماینده مذکور به اینکه به هنگام تصمیم‌گیری باید موقعیت ایلات بزرگ از ایلات کوچک، تفکیک و به واقعیت تفاوت‌های اقتصادی و جغرافیایی و فرهنگی توجه گردد و نباید سیاست تعمیم‌گرایانه‌ای در مورد همه آن‌ها اعمال گردد، نتیجه می‌شود که نهاد مجلس، خواستار اعمال سیاست واقع‌بینانه و کارشناسی شده به پدیده ایلات و عشایر بوده و بیشتر به طرفداری از سیاست‌های تدریجی در زمینه عمران و آبادانی مناطق ایلی و عشایری تمایل داشته تا طرفداری از سیاست‌های خشونت‌آمیز. بخش دیگری از سیاست و عملکرد نهاد مجلس در این زمینه را می‌توان در سیاست‌گذاری عملگرایانه نمایندگان در خصوص تصویب لوایح قانونی در زمینه مصوبات عمرانی مربوط به ایلات و عشایر دانست. نمونه‌های بسیاری از این دست لوایح عمرانی را می‌توان در اسناد باقی‌مانده نشان داد؛ که از جمله آن‌ها به این موارد اشاره می‌شود:

۱. تصویب اعتبار عمران عشایر و تخته‌قاپو کردن آن‌ها، به مبلغ ۸۲۰۰۰۰ ریال؛^۲
۲. تصویب اعتبار مصارف مربوط به تبدیل املاک رؤسا و خوانین عشایری، به مبلغ ۱۸۰۰۰۰ ریال؛^۳
۳. تصویب اعتبار بودجه اختصاصی، به مبلغ ۲۲۶۷۸۴۰۰ ریال به مسائل عشایری؛
۴. تصویب اعتبار بودجه‌ای به مبلغ ماهیانه ۱۹۱۵۰ ریال برای ۵۰ نفر از رؤسا و خوانین تحت نظر در تهران؛
۵. تصویب اعتبار بودجه‌ای به مبلغ ۱۳۲۰۰۰۰ ریال به منظور اسکان و عمران مناطق ایلی و عشایری در سال ۱۳۱۳.^۴

۱. مجموعه قوانین دوره نهم، همان؛ ص ۴۰۰.

۲. همان؛ ص ۲۹.

۳. برای آگاهی بیشتر، نک: مجموعه قوانین دوره هشتم، همان.

۴. برای آگاهی بیشتر، نک: الیاسی، همان.

به این ترتیب، نهاد مجلس برای آرامسازی مناطق عشایری و انجام سیاست خلع سلاح و اسکان، به تصویب اعتبارات مالی در این زمینه پرداخت تا این مهم هرچه زودتر به سرانجام برسد و عملاً از توجه به بخش‌های فرهنگی و اجتماعی باز ماند.

نتیجه

بنابر آنچه گذشت، مسئله خلع سلاح و اسکان ایلات و عشایر در دوره پهلوی اول، به منظور اعمال سیاست‌های تمرکزگرایانه و ایجاد امنیت در کشور و پایان بخشیدن به خودسری‌های ایلی در رأس برنامه‌های نوگرایانه کارگزاران حکومت قرار گرفت. نهاد مجلس شورای ملی نیز به عنوان یکی از سه نهاد سیاست‌گذاری (دربار، هیئت وزرا و مجلس شورای ملی) در این دوره و به عنوان اصلی‌ترین نهاد قانون‌گذاری در کشور، طبق قانون اساسی مشروطه، خواه‌ناخواه در زمینه سیاست‌گذاری‌های ایلی و عشایری به ایفای نقش پرداخت.

نهاد مجلس در ایفای نقش خود در دوران پهلوی اول با توجه به رابطه و تعامل میان نهاد سلطنت و دیگر نهادها، دارای فراز و نشیب‌های بسیاری بوده است. در ادوار اولیه مجلس در دوران پهلوی اول، با توجه به ضرورت‌هایی نظیر ایجاد امنیت فوری در کشور و پایان دادن به آشوب‌های محلی و اوضاع نابسامان اجتماعی و اقتصادی ناشی از وضع موجود، نظامیان و در رأس آنان رضاشاه به عنوان مصدر و محمل ایجاد نظم و امنیت، در رأس قدرت سیاسی و نظامی قرار گرفتند و دیگر نهادها از جمله مجلس در سایه واقع شدند.

با نگاهی به عملکرد نمایندگان در ادوار مختلف مجلس شورای ملی در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ در دوره پهلوی اول نسبت به جامعه ایلی ایران، این مسئله به ذهن متبادر می‌شود که با تحکیم حکومت پهلوی، نهاد مجلس به ابزاری در دست شاه و حامیان وی تبدیل شد و در بسیاری از موارد هر آنچه مورد نظر آنان بود، به تصویب نمایندگان گزینش شده می‌رسید.

سرانجام پس از پایان برنامه‌های خلع سلاح و آرام‌سازی ایلات و عشایر، رویکردهای نظامی و خشونت‌آمیز، به تدریج جای خود را به برنامه‌های عمرانی و توسعه کارشناسانه داد؛ در نتیجه این تغییر رویکرد، نقش نهاد مجلس و دیگر نهادهای اجرایی، از جمله وزارت مالیه، خارجه، عدلیه و ... در این مورد پُررنگ‌تر شد.

با این وصف با عنایت به مصوبه‌های عام و خاصی که در رابطه با موضوع جامعه ایلی و عشایری به تصویب مجلس دوره پهلوی اول رسیده، این مسئله آشکار می‌شود که واقعیت‌هایی هم‌چون دغدغه پایان دادن به پراکندگی قدرت سیاسی و به‌ویژه خودسری‌های ایلی و اهتمام و توجه به تقویت مبانی ملت‌سازی در آن دوره، بر نوع تصمیم‌گیری‌های نمایندگان تأثیر داشته است.

درنهایت آنکه مصوبات مجلس شورای ملی با موضوع ایلات و عشایر، به‌خصوص در زمینه سیاست اسکان، نشانگر نوعی شتابزدگی و کلیشه‌گرایی در سیاست‌گذاری است که حکایت از آن دارد که نهاد مجلس از نگرش هم‌سویه‌ای با دولت در مورد جامعه ایلی و عشایری ایران برخوردار نبوده است.

کارکرد نهاد مجلس در این دوره به دلیل ماهیت استبدادی و غیردموکراتیک دولت، عموماً تشریفاتی بود و همین مسئله موجب شد که شأن مجلس در بسیاری موارد تا حد تأیید منویات و تصویب تصمیمات نهاد سلطنت و دولت تنزل یابد؛ سرانجام اینکه نگرش نهاد مجلس تحت تأثیر اعمال فشارهای نهاد سلطنت و مقتضیات جامعه، به سمت اعمال خشونت و انجام فوری اسکان سوق داشته و عنایت به برنامه‌های عمرانی و فرهنگی و اجتماعی کمتر در آن به چشم می‌خورد.

کتابنامه

- ابرینگ، پیر، کوچ‌نشینان قشقایی فارس، ترجمه فرهاد طیبی پور (تهران: شیرازه، ۱۳۸۳).
- اتابکی، تورج، تجدد آمرانه (جامعه و دولت در عصر رضاشاه)، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (تهران: ققنوس، ۱۳۸۵).
- احمدی، حمید، قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹).
- ارفع، حسن، در خدمت پنج سلطان، ترجمه سیداحمد نواب (تهران: مهرآئین، ۱۳۷۷).
- اکبری، محمدعلی، دولت و فرهنگ در ایران (۱۳۰۴-۱۳۵۷) (تهران: مؤسسه روزنامه ایران، ۱۳۸۲).
- الیاسی، علی احمد، بررسی سیاست‌های اسکان ایلات کرمانشاهان در دوره پهلوی اول (۱۳۳۰-۱۲۹۹) پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر، کوچ‌نشینی در ایران (پژوهشی درباره ایلات و عشایر) (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰).
- بهمن‌بیگی، محمد، عرف و عادت در عشایر قشقایی فارس (شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۸۱).
- بیات، کاوه، شورش عشایری فارس (۱۳۰۸) (تهران: نشر نقره، ۱۳۶۵).
- خلیلی خو، محمدرضا، توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه (تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی، ۱۳۷۳).
- سینایی، وحید، دولت مطلقه نظامیان و سیاست در ایران (۱۳۵۷-۱۲۹۹) (تهران: کویر، ۱۳۸۴).
- عاقلی، باقر، رضاشاه و قشون متحدالشکل (۱۳۳۰-۱۳۰۰) (تهران: نارمک، ۱۳۷۷).
- قائم‌مقامی، جهانگیر و علیقلی بیگلربیور، تاریخ ارتش نوین ایران (۱۳۲۰-۱۳۰۰) ج ۱ (تهران: چاپخانه ارتش، بی‌تا).
- قلفی، محمدوحید، مجلس و نوسازی در ایران (۱۳۱۱-۱۳۰۲) (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹).
- کیاوند، عزیز، حکومت، سیاست و عشایر (تهران: انتشارات عشایری، ۱۳۶۸).
- لمبتون، آن، مالک و زارع، ترجمه منوچهر امیری (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲).
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات در چهار دوره اول، دوم، سوم و چهارم (تهران: مطبوعه مجلس، بی‌تا).
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات در دوره پنجم مجلس شورای ملی (تهران: مطبوعه مجلس، ۱۳۲۴).
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره نهم تقنینیه (تهران: اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس شورای ملی، ۱۳۲۹).
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هفتم قانون‌گذاری (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۵).
- محبوبی‌اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲ (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶).
- نقیب‌زاده، احمد، دولت رضاشاه و نظام ایلی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹).
- واعظ، نفیسه، سیاست عشایری دولت پهلوی اول (تهران: نشر تاریخ، ۱۳۸۸).
- هدایت، مهدیقلی خان، خاطرات و خطرات (تهران: رنگین، ۱۳۲۹).
- یکرنگیان، میرحسین، سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۳۰ (تهران: خجسته، ۱۳۸۴).

اسناد و مطبوعات

آرشیو اسناد ملی ایران.

اسناد نخستین سپهبد ایران احمد امیراحمدی، به کوشش سیروس سعدوندیان (تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳).

اطلاعات، موزه ۱۳ آبان ۱۳۰۹.

_____، موزه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی